

Phenomenology of Women's Life Experience of Male's (Spouse) Infidelity Behaviors

*Samad Rasoulzadeh Aghdam*¹

*Esmael Kheyrou*²

*Vahideh Abbasi*³

Marital infidelity, which has become a common phenomenon for family therapists today, is a shocking issue for couples. The aim of this study was to investigate the behaviors of traitorous men and its consequences in September 2016. In this study, the phenomenological method was used to gain live experiences of women who have experienced infidelity. Purposeful sampling was continued up to the data saturation level (30 people). The main method of data collection was in-depth and unstructured interviews with open-ended questions, allowing participants to fully describe their experiences with the phenomenon under study. Out of the total number of interviews, 26 interviews were of good quality for data analysis. Continuous comparison method was used to analyze the data. The findings show that unfaithful men exhibit two types of behavior, one of which is destructive, such as pessimism, the threat of divorce, violence, and stubbornness. But other behaviors are aimed at improving the relationship, such as expressing regret and paying attention and expressing interest. When the family is in turmoil due to infidelity, continuing destructive behaviors such as not meeting emotional needs, male neglect, communication problems, lack of empathy and companionship and not spending time with the family can lead to emotional divorce and the family to push the side of complete collapse. But continuing corrective behaviors in the long run, provided the betrayal is not repeated, may help resolve the crisis caused by the betrayal.

Keywords: Infidelity, Family, Obligation, Qualitative Research, Phenomenology

1. Corresponding author: Associate Professor, Faculty of Sociology, Research Center of Psychological and Social Health, Azarbayjan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. S.rasoulzadeh@azaruniv.ac.ir

2. Assistant Professor, Faculty of Psychology, Azarbayjan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

3. MA in Women Studies, Department of Family Studies, Azarbayjan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان از رفتارهای خیانت شوهر *

اسماعیل خیرجو^۲

صمد رسول زاده اقدم^۱

وحیده عباسی^۳

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸

چکیده

خیانت زناشویی که امروزه پدیده‌ای رایج برای درمانگران خانواده شده است، مسأله‌ای تکان‌دهنده برای زوج‌ها است. این پژوهش با هدف بررسی خیانت زناشویی مردان از شهریور سال ۹۵ به مدت دو سال انجام یافت. در این مطالعه از روش پدیدارشناسی جهت کسب تجارب زنده زنانی که خیانت همسر را تجربه کرده‌اند، استفاده گردید. نمونه‌گیری هدفمند تا سطح اشباع داده‌ها (۳۰ تن) ادامه یافت. روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق و بدون ساختار با سؤالات باز بود و این امکان را برای شرکت‌کنندگان فراهم آورد تا به طور کامل تجربیات خود را در مورد پدیده تحت بررسی توضیح دهند. از مجموع مصاحبه‌های انجام گرفته، (۲۶) مصاحبه از کیفیت مناسب جهت تحلیل داده‌ها برخوردار بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مقایسه مداوم استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مردان خیانت‌کننده دو نوع رفتار را از خود بروز می‌دهند؛ یک دسته رفتارهایی هستند که تخریب‌کننده‌اند، همانند: بدبینی، تهدید به طلاق، خشونت و لجبازی. ولی دسته دیگر از رفتارها در جهت اصلاح رابطه هستند، همانند: اظهار پشیمانی، توجه و اظهار علاقه. زمانی که خانواده به دلیل وقوع خیانت دچار آشفتگی و بحران گشته است، ادامه رفتارهای تخریب‌کننده، مانند عدم تأمین نیازهای عاطفی، بی‌توجهی مردان، مشکلات ارتباطی، عدم همدلی و همراهی و عدم گذراندن وقت با خانواده می‌تواند منجر به سردی عاطفی گشته و خانواده را به سمت فروپاشی کامل سوق دهد، ولی تداوم رفتارهای اصلاح‌کننده در دراز مدت به شرط عدم تکرار خیانت، ممکن است به حل بحران ناشی از خیانت کمک کند.

کلیدواژه‌ها: خیانت زناشویی؛ خانواده؛ تعهد؛ پژوهش کیفی؛ پدیدارشناسی.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده سلامت روانی-اجتماعی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

S.rasoulzadeh@azaruniv.ac.ir

۲. استادیار روانشناسی، گروه مطالعات خانواده، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

E_kheirjoo@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد مطالعات زنان، گروه مطالعات خانواده، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

Abbasi.vahide.a@gmail.com

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان می‌باشد.

مقدمه

یکی از نیازهای عاطفی انسان، ایجاد روابط انسانی است و در این میان، ازدواج به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ارتباطی میان انسان‌ها معرفی شده است (لوکاس^۱، ۲۰۰۳). در میان تعاملات گوناگون انسانی، تعهد مهم‌ترین جنبه‌ی کیفی یک رابطه است.

تعهد و پایداری به عهد و پیمان ازدواج، به عنوان مکانیزمی دوام بخش دارای اهمیت بسزایی است و از ویژگی‌های ازدواج‌های موفق و طولانی‌مدت به شمار می‌رود (میچر^۲، ۲۰۱۳). اریک فروم^۳ (۱۹۵۶) می‌گوید: عمیق‌ترین نیاز بشر، نیاز او برای غلبه بر احساس جدایی است تا زندان تنهایی را واگذارد. در عشق کامل، تمامیت شخصیت و فردیت محفوظ می‌ماند؛ چرا که دو نفر یکی می‌شوند، در حالی که به صورت دو نفر باقی می‌مانند.

در جامعه متمدن، ازدواج راهکار مناسب و تأکید شده‌ای برای غلبه بر احساسی است که فروم از آن سخن می‌گوید. انگیزه انسان برای ازدواج، ضمن رفع تنهایی و نیاز به استقلال، برآورده شدن نیازهای عاطفی، جنسی بوده و بقای نسل را تأمین می‌کند، ولی دوام ازدواج مستلزم عشق و احساسات مثبت زوجین نسبت به یکدیگر است (حسینی، ۱۳۹۰).

احساس مثبت به همسر به معنی دریافتن، آگاه شدن، درک و بازتاب ذهنی تأثیرات مادی (فیزیکی) است که شالوده همه ادراکات به شمار می‌رود. عوامل متعددی در فرایند زندگی می‌تواند میزان این احساسات را تحت تأثیر قرار دهد و به تبع آن، کیفیت سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی را متأثر سازد.

در میان تمام نهادها و مؤسسات اجتماعی، خانواده ارزشمندترین و اثربخش‌ترین نقش‌ها را دارد؛ به طوری که آن را مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه می‌دانند. کیفیت عملکرد خانواده، یکی از عوامل بسیار مؤثر بر سلامت اعضای خانواده، زوجین و نیز کل جامعه است (زهراکار، ۱۳۸۴). با وجود تمام مباحث و نظریه‌هایی که امروزه درباره فروپاشی خانواده مطرح می‌شوند، تا کنون هیچ جایگزین دیگری که به درستی بتواند روابط عاطفی انسان‌ها اعضای خانواده را در درون خود جای داده و سامان دهد، یافت نشده است. از این رو مشکلات و

1. Lucas, R. E.
2. Macher, S.
3. Erich Fromm.

ناهنجاری‌هایی که خانواده در عصر امروز با آن روبه‌روست، بسیار حائز اهمیت است و باید به درستی و با دقت بررسی شود.

ازدواج عرصه نشان دادن تعهد است؛ عهد به اینکه از لحاظ عاطفی و جنسی به همسر خود پایبند بمانند، روی رابطه احساسی و صمیمیت سرمایه‌گذاری کنند و تا پایان عمر با یکدیگر زندگی کنند. این تعهد شالوده زندگی مشترک است و در غیر این صورت، اعتماد متقابل میان همسران کمتر خواهد شد. تعهد زناشویی حدی است که در آن، افراد دیدگاه بلند مدتی روی ازدواجشان دارند و برای رابطه خود فداکاری می‌کنند، برای حفظ و تقویت همبستگی و اتحادشان قدم بر می‌دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش دهنده نیست می‌مانند (هارمون^۱، ۲۰۰۵).

واژه تعهد زناشویی به معنای تصمیمی خردمندانه است که لازمه آن پایبندی هر یک از زن و شوهر به اعمال و مناسک ویژه است و در عین حال، حالتی دال بر وابستگی عاطفی و خردمندانه بر آرمانی شایسته است. (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۴؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ قنبری هاشم آبادی و همکاران، ۱۳۹۰).

روابط نزدیک لازمه ازدواج است و عواملی که در روان‌شناسی روابط نزدیک را تعریف و تبیین می‌کنند، شامل: درگیری احساس، تقسیم افکار و احساسات و دلبستگی بین فردی یا تعهد می‌شوند (نصر، ۱۳۹۰).

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است. دستیابی به جامعه سالم، آشکارا در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه مطلوب با یکدیگر است و کمک به زوجین برای حل مشکلات زناشویی، مستلزم شناخت عوامل و علل مؤثر بر نارضایتی و رضایت زناشویی است (اکبرزاده، ۱۳۸۳).

این پدیده در جوامع و فرهنگ‌های مختلف به اشکال گوناگون تعریف می‌شود و هر زوج بنا به تعهدی که در رابطه خویش بنا نهاده، نگرش و تعریف خود را دارد (زولا^۲، ۲۰۰۷).

پژوهشگران اسامی و تعاریف مختلفی برای این پدیده در نظر گرفته‌اند که جنبه مشترک همه آنها مخفی بودن این روابط است. ویتی‌پیتمن^۱ (۱۹۹۰) خیانت را هر نوع رابطه جنسی یا عاطفی مخفیانه و خارج از قواعد زناشویی تعریف کرده است.

کاپلان و سادوک^۲ (۲۰۰۷) آن را ارتباط جنسی با شخص سوم خارج از روابط زناشویی می‌دانند. نایت^۳ (۲۰۱۰) حیطه گسترده‌تری را قائل می‌شود و آن را داشتن رابطه جنسی، عاطفی، اینترنتی یا ترکیبی از آنها برمی‌شمرد، اما از نظر وایدنمن و آلگیر (۲۰۱۱)، لازم نیست حتماً رابطه جنسی انجام گیرد، بلکه هر گونه ارتباط با فرد غیرهمجنس که به صورت مخفیانه انجام شود، یک رابطه فرا زناشویی به شمار می‌آید.

در انواع خیانت، می‌توان به خیانت جنسی، عاطفی و آنلاین اشاره کرد. خیانت جنسی به اعمال جنسی فیزیکی با افراد دیگر، جز شریک زندگی اشاره دارد. خیانت عاطفی به منابع عاطفی غیر از شریک اصلی اشاره دارد. خیانت آنلاین می‌تواند متشکل از عناصری از هر دو صمیمیت عاطفی جنسی باشد (باس و شالکفورد^۴، ۱۹۹۷).

با توجه به پژوهش‌های مختلف، در جوامع امروز، بیشتر افراد انتظار تک همسری و پرهیز از روابط نامشروع را از همسران خود دارند؛ به طوری که در پژوهشی، ۹۷٪ از پاسخگویان معتقدند که افراد متأهل مجاز به روابط نامشروع نیستند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۱؛ سودانی، ۱۳۹۱).

خیانت زناشویی موضوعی است که زوج درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی‌شان با آن مواجه می‌شوند و طبق بررسی‌ها خیانت یکی از دلایل عمده‌ی طلاق و از هم پاشیدن زندگی است (اسچیکلفورد، ۲۰۰۸، به نقل از بشرپور، ۱۳۹۰). فقدان تعهد مهم‌ترین عامل مؤثر در بروز طلاق می‌باشد (کوهان و کلینباوم^۵، ۲۰۰۲).

پس از افشای خیانت، حتی اگر زوجین به زندگی مشترکشان ادامه دهند، تا یک سال با پریشانی روبه‌رو هستند و خشونت خانوادگی و ناراحتی زناشویی از جمله پیامدهای خیانت به شمار

1. Pittman, F. S.
2. Kaplan & Benjamin James Sadock, Virginia Alcott Sadock.
3. Knight, B. G.
4. Buss, D. M. & Shackelford.
5. Cohan, C. L. & Kleinbaum.

می‌رود (استنفورد و هلچر^۱، ۲۰۱۶). خیانت علاوه بر ایجاد این پیامدهای منفی در زوجین، روی تمامی اعضای خانواده و بخصوص کودکان نیز مؤثر است (سیوا و همکاران^۲، ۲۰۱۷).

پژوهشگران در جوامع مختلف، گرایش همسران به روابط فرا زناشویی را ۲۰ تا ۲۵ درصد گزارش کرده‌اند (فینچام و می^۳، ۲۰۱۷). در ایران به دلیل ملاحظات فرهنگی، ثبت و ارائه آمار دقیق در خصوص خیانت در زندگی مشترک تابو محسوب می‌شود و ملاحظات فرهنگی و مذهبی، مسأله خیانت همسران را بسته نگه داشته است، ولی آمار بالای خیانت را می‌توان از پرونده‌های موجود در دادگاه‌های خانواده رصد کرد که رشد بی‌سابقه طلاق در جامعه را نشان می‌دهد؛ هر چند همه خیانت‌های زناشویی به طلاق منجر نمی‌شود.

مشارکت کنندگان این پژوهش، زنانی هستند که با پدیده خیانت زناشویی مواجه شده‌اند و سال‌ها با آسیب‌های آن درگیر بوده‌اند، ولی برای طلاق و حتی مشاوره مراجعه ننموده‌اند.

اهمیت نقش تعهد زناشویی در زندگی مشترک زوجین باعث شده پژوهش‌هایی که در این گستره صورت گرفته‌اند، در سالیان اخیر به طور هنگفتی افزایش یابند. برآیندهای این پژوهش‌ها، تعهد زناشویی را به عنوان سازه‌ای تأثیرگذار در نگهداری و ماندگاری زندگی زناشویی تعریف کرده‌اند (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۴؛ رضایی، و همکاران، ۱۳۹۱؛ گود^۴، ۲۰۰۰؛ قنبری هاشم آبادی و همکاران، ۱۳۹۰).

بسیاری از ازدواج‌های کنونی با عشق و تأکید بر روابط عاشقانه آغاز می‌گردد، اما پایدار نمی‌ماند. عشق واقعی مستلزم تعهد و دلبستگی است و این تعهد در دوران زندگی زناشویی، اساس یک رابطه عاشقانه است. با اندکی تعمق به پیامدها و زیان‌های اجتماعی (از قبیل آمارهای طلاق که هر ساله رو به افزایش است)، اقتصادی و روانی (از جمله هزینه‌هایی که سالانه صرف درمان اختلال‌های اضطرابی می‌شود) و صدمات جبران‌ناپذیری که به فرزندان وارد می‌شود، خواهیم دید که توجه به عوامل تحکیم خانواده‌ها تا چه حد به نفع ارتقاء جامعه خواهد بود.

بالا بردن آگاهی افراد در خصوص مفهوم عشق و سبک‌های عشق‌ورزی، تعهد و صمیمیت، برخورداری از سلامت روان، گامی عاقلانه و سودمند در جهت بالا بردن رضایت زناشویی و متعاقب آن سلامت جامعه خواهد بود. با توجه به مشکلات خانوادگی در جامعه و بالا رفتن میزان

1. Stanford, P. S., & AXIS Healthcare Group, U.
 2. Silva, A., Saraiva, M., Albuquerque, P. B., & Arantes, J.
 3. Fincham, F. D., & May, R. W.
 4. Good, Nancy.

طلاق، شناسایی عوامل مؤثر و مرتبط با تعهد زناشویی و برنامه‌ریزی آموزش‌های مبتنی بر این یافته‌ها می‌تواند در پیشگیری از اختلافات زناشویی و پربار کردن ارتباطات میان زوجین، بخصوص افزایش تعهد زناشویی کمک نماید.

بنابراین برای افزایش کیفیت زندگی زناشویی، ایجاد رضایتمندی در زندگی زناشویی و افزایش و تداوم عشق و تعهد زناشویی، نیازمند آموزش مهارت‌های ارتباطی زناشویی هستیم و برای آموزش این مهارت‌ها، پژوهش و آسیب‌شناسی در حوزه خانواده احساس می‌شود. خیانت زناشویی به عنوان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانواده مورد توجه پژوهشگران این حوزه است، ولی در بسیاری از تحلیل‌های به وجود آمده، عموماً تمرکز و محوریت بر دلایل خیانت زناشویی است و به پیامدهای آن کمتر پرداخته شده است. در این پژوهش، رفتارها و احساسات مردان خیانت‌کننده از زبان زنان (همسران) مورد بررسی موشکافانه قرار می‌گیرد.

روش‌شناسی

این پژوهش از راهبرد کیفی و رویکرد پدیدارشناسی توصیفی برای هر چه نزدیک شدن به واقعیت و کیفیت زندگی زنانی که خیانت زناشویی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند، استفاده نموده است. نمونه‌گیری هدفمند به روش متوالی یا متواتر با رویکرد نظری همراه بوده است. جامعه مورد بررسی این پژوهش، زنانی هستند که تجربه خیانت شوهر را دارند و به صورت آنلاین از طریق سایت «کانون گرم»^۱ و از طریق تلگرام، در طول دو سال، به صورت داوطلبانه در مصاحبه‌های آنلاین متعددی شرکت کرده‌اند.

روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق و بدون ساختار با سؤالات باز بود و این امکان را برای شرکت‌کنندگان فراهم نمود تا تجربیات خود را در مورد پدیده تحت بررسی به طور کامل توضیح دهند.

با استفاده از این روش، پژوهشگر جنبه‌های متعددی از نظرات مصاحبه‌شوندگان را آن‌گونه که در گفت‌وگو پیش می‌آید، بررسی کرده و از نیروی ابتکار خود استفاده نموده و درباره‌ی موضوع تعیین شده، ذهن پاسخ‌دهنده را به طور عمیق مورد کاوش قرار داده است. طول مدت مصاحبه با توجه به تمایل مشارکت‌کننده، متوسط ۶۰ دقیقه در نظر گرفته شده

است. شناخت کامل مصاحبه‌شوندگان از مصاحبه‌کننده (پژوهشگر) و آنلاین بودن مصاحبه، شرایط مساعدی را برای مشارکت‌کننده فراهم نموده تا بتواند بدون بعضی ملاحظات که در مصاحبه حضوری پیش می‌آید، احساسات واقعی خود را با مصاحبه‌گر در میان بگذارد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کلایزی و به شرح زیر انجام شده است. در مرحله اول، مطالب هر مصاحبه - که به صورت آنلاین صورت گرفته است نوشته شد. به منظور درک بهتر تجربیات شرکت‌کنندگان، کلیه متون چندین بار بازخوانی و مرور گردید. در مرحله دوم، پس از مطالعه تمام توصیف‌های شرکت‌کنندگان، زیر اطلاعات با معنی، بیانات مرتبط با پدیده مورد بحث خط کشیده شد و به این طریق جملات مهم مشخص گردید.

مرحله سوم استخراج مفاهیم فرموله است. بعد از مشخص کردن عبارات مهم^۱ هر مصاحبه، در این مرحله سعی شد تا از هر عبارت یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد بود استخراج شود و با مرور مجدد، عبارات و کدهای مهم، واژه‌های مرتبط با چالش و دغدغه‌های اصلی استخراج گردید.

در این مرحله، معنای عبارات مهم استخراج گشت و محقق سعی کرد با مفهوم بخشی به کدهای استخراجی، آنها را دسته‌بندی کند. البته پس از کسب این مفاهیم تدوین شده، سعی شد تا مرتبط بودن معنی تدوین شده با جملات اصلی و اولیه مورد بررسی قرار گیرد و از صحت ارتباط میان آنها اطمینان حاصل شود. اطلاعات دموگرافیک مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک مشارکت‌کنندگان

تعداد فرزندان	شغل و تحصیلات زن	شغل و تحصیلات مرد	نوع خیانت	تعداد یا مدت خیانت مرد	مدت ازدواج	سن زن	سن مرد	مشارکت‌کننده	تاریخ مصاحبه
۱ پسر	خانه‌دار	کشاورز	عاطفی جنسی	از اول ازدواج بارها	۸ سال	۲۷	۳۳	نمونه ۱	۹۵/۶/۱۶
باردار	خانه‌دار دیپلم	راننده لودر دیپلم	عاطفی جنسی	از اول ازدواج با یک نفر	۳ سال	۱۹	۲۶	نمونه ۲	۹۵/۶/۲۸
۱ پسر و	خانه‌دار	کارمند	عاطفی	با یک نفر	۸ سال	۳۰	۳۰	نمونه ۳	۹۶/۷/۲۴

تاریخ مصاحبه	مشارکت کننده	سن مرد	سن زن	مدت ازدواج	تعداد یا مدت خیانت مرد	نوع خیانت	شغل و تحصیلات مرد	شغل و تحصیلات زن	تعداد فرزندان
					اخیراً		شرکت دیپلم		باردار
۹۵/۶/۱۶	نمونه ۴	۳۰	۱۸	۶ ماه	از اول ازدواج با یک نفر	عاطفی جنسی	راننده کامیون راهنمایی	خانه‌دار سیکل	۰
۹۵/۶/۱۶	نمونه ۵	۲۶	۲۰	۲ سال	از اول ازدواج بارها	عاطفی جنسی	پر سنل بیمارستان دیپلم	خانه‌دار دیپلم	۰
۹۵/۱۱/۲۸	نمونه ۶	۳۷	۳۰	۱۵ سال	چند سال تا الان با یک نفر	عاطفی جنسی	پیمانکار دیپلم	خانه‌دار دیپلم	۲ پسر
۹۵/۱۱/۲۰	نمونه ۷	۳۰	۲۸	۷ سال	از اول ازدواج بارها	عاطفی جنسی	بنا ابتدایی	خانه‌دار سیکل	۲ دختر
۹۵/۱۰/۱۴	نمونه ۸	۳۲	۲۰	۵ سال	از اول ازدواج بارها	جنسی	راننده ابتدایی	خانه‌دار دیپلم	۱ دختر
۹۵/۱۱/۱۴	نمونه ۹	۳۰	۳۱	۸ سال	از اول ازدواج بارها	عاطفی جنسی	تراشکار راهنمایی	خانه‌دار دیپلم	۱ پسر
۹۵/۱۰/۲	نمونه ۱۰	۲۹	۳۱	۹ سال	از اول ازدواج بارها	تلفنی	برق‌کار راهنمایی	خانه‌دار دیپلم	۱ دختر
۹۵/۶/۱۶	نمونه ۱۱	۳۹	۲۹	۹ سال	اخیراً با یک نفر	عاطفی جنسی	گچ‌کار سیکل	خانه‌دار سیکل	۱ پسر
۹۵/۱۱/۱۳	نمونه ۱۲	۲۸	۲۳	۴ سال	اخیراً با یک نفر	عاطفی	کار در جنوب دیپلم	خانه‌دار دیپلم	۰
۹۵/۲/۶	نمونه ۱۳	۳۰	۲۵	۳ سال	از اول ازدواج بارها	عاطفی جنسی	آزاد دیپلم	خانه‌دار دیپلم	۱ دختر
۹۵/۱۰/۹	نمونه ۱۴	۳۰	۲۸	۹ سال	از اول ازدواج بارها	عاطفی جنسی	آزاد راهنمایی	خانه‌دار دیپلم	۲ پسر ۱ دختر
۹۵/۱۰/۵	نمونه ۱۵	۴۰	۵۰	۶ سال	اخیراً با یک نفر	عاطفی جنسی	آزاد سیکل	خانه‌دار سیکل	۰
۹۵/۷/۲۵	نمونه ۱۶	۳۲	۲۵	۶ سال	از اول	عاطفی	آزاد	خانه‌دار	۲ دختر

تعداد فرزندان	شغل و تحصیلات زن	شغل و تحصیلات مرد	نوع خیانت	تعداد یا مدت خیانت مرد	مدت ازدواج	سن زن	سن مرد	مشارکت کننده	تاریخ مصاحبه
	سیکل	سیکل	جنسی	ازدواج با یک نفر					
۰	آرایشگر دیپلم	آزاد دیپلم	مجازی	از اول ازدواج بارها	۸ ماه	۱۸	۲۴	نمونه ۱۷	۹۵/۷/۵
۰	خانه‌دار دیپلم	آرایشگر دیپلم	عاطفی جنسی	از اول ازدواج با یک نفر	۲ سال	۲۶	۳۳	نمونه ۱۸	۹۵/۷/۱
۱ دختر ۱ پسر	خانه‌دار سیکل	کشاورز ابتدایی	عاطفی جنسی	از اول ازدواج بارها	۱۰ سال	۲۳	۹۲	نمونه ۱۹	۹۵/۷/۱۸
۱ پسر	خانه‌دار دیپلم	آزاد سیکل	عاطفی جنسی	اخیراً با یک نفر	۷ سال	۳۳	۳۳	نمونه ۲۰	۹۵/۶/۵
۲ دختر	خانه‌دار سیکل	انباردار شرکت سیکل	عاطفی جنسی	از اول ازدواج بارها	۱۳ سال	۳۳	۳۶	نمونه ۲۱	۹۵/۶/۱۸
۰	خانه‌دار دیپلم	نوازنده دیپلم	عاطفی	از اول ازدواج با یک نفر	۲٫۵ سال	۱۹	۲۸	نمونه ۲۲	۹۵/۶/۱۰
۱ دختر	کارمند دیپلم	آزاد دیپلم	مجازی جنسی	از اول ازدواج بارها	۱۰ سال	۳۳	۴۰	نمونه ۲۳	۹۵/۶/۹
۲ دختر	دانشجو	راننده دیپلم	عاطفی جنسی	اخیراً برای دومین بار	۹ سال	۳۰	۳۵	نمونه ۲۴	۹۵/۵/۱۴
۱ پسر	خانه‌دار دیپلم	معلم لیسانس	عاطفی جنسی	اخیراً با یک نفر	۲۰ سال	۳۷	۴۳	نمونه ۲۵	۹۵/۱۲/۱۷
۲ پسر ۱ دختر	خانه‌دار سیکل	نظامی لیسانس	مجازی	اخیراً با چند نفر	۲۰ سال	۴۱	۴۵	نمونه ۲۶	۹۶/۱/۳۱

در مرحله چهارم تجزیه و تحلیل، معنای خلاصه به صورت دسته‌هایی از درون‌مایه‌ها سازماندهی شدند و محقق جهت معتبر نمودن مطالب به توصیف اصلی شرکت‌کنندگان رجوع نمود. همچنین به اختلافات میان دسته‌های گوناگون توجه شد و به دسته‌بندی مفاهیم خلاصه شده در درون دسته‌های خاص پرداخته شد.

در مرحله پنجم کدها به صورت دسته‌های مرتبط با هم در یک دسته کلی‌تر و سپس خوشه‌هایی قرار گرفتند که از این خوشه‌ها مفاهیم محوری به دست آمد. (جدول شماره ۲) در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه (تا حد امکان با بیانی واضح و بدون ابهام) ارائه شد.

مرحله پایانی اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه و پرسیدن درباره یافته‌ها انجام گرفت. به علاوه جهت استحکام تحقیق از دو معیار اطمینان‌پذیری (ذکر جزئیات تحقیق به منظور آشنایی و قضاوت داوران و پژوهشگران دیگر از فرایند اجرای پژوهش) و باورپذیری مصاحبه‌های طولانی و درگیری بیشتر محقق با مشارکت‌کننده، تحلیل موارد منفی در قالب استقرار تحلیلی (مقایسه مداوم) و کنترل تفاسیر توسط خود (مشارکت‌کنندگان) استفاده گردید.

یافته‌ها

تحلیل داده‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد زمانی که خیانت زناشویی (در این پژوهش از طرف مردان) بروز می‌کند، احساسات و رفتارهای مشابهی از طرف آنان بروز می‌کند. تعداد و فراوانی رفتارهایی که عموماً در این مردان مشاهده می‌شود، در (جدول شماره ۲) نشان داده شده است.

بعد از استخراج مفاهیم اولیه، در تحلیل داده‌های پژوهش از رفتارهای مرد خیانت‌کننده، این رفتارها به دو گروه تقسیم شدند: رفتارهای تخریب‌کننده و رفتارهای اصلاح‌کننده.

دسته اول رفتارهایی که تخریب‌کننده هستند و ادامه و تکرار آنها به تداوم بحران و تداوم خیانت منجر می‌شود و چه بسا زوجین را به طرف طلاق و جدایی سوق می‌دهد. دسته دوم رفتارهایی که اصلاح‌کننده نام نهادیم. رفتارهایی هر چند کم، در مردان خیانت‌کننده وجود دارد که در صورت تداوم و تقویت می‌تواند به حل بحران و عادی شدن روابط زوجین کمک کند.

جدول ۲. تقسیم‌بندی رفتارها و احساسات مردان خیانت‌کننده

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	فراوانی	مفاهیم اولیه		
رفتارها و احساسات مرد خیانت‌کننده	رفتارهای تخریب‌کننده	۲۱ مورد	۱- سردی و بی‌تفاوتی نسبت به عواطف همسر		
		۱۶ مورد	۲- ارتباط گفتاری کم با همسر		
رفتارها و احساسات مرد خیانت‌کننده	رفتارهای تخریب‌کننده	۱۵ مورد	۳- صرف وقت با گوشی و رمز دادن به گوشی		
		۲۵ مورد	۴- پنهانکاری و دروغ‌گویی		
		۱۵ مورد	۵- لجاجتی و مشاجره		
		۱۷ مورد	۶- بی‌تفاوتی نسبت به ظاهر همسر و سردی جنسی		
		۷ مورد	۷- بدبینی و ایجاد محدودیت اجتماعی		
		۹ مورد	۸- عدم تأمین نیازهای خانواده و محدودیت اقتصادی		
		۶ مورد	۹- تهدید به طلاق		
		۲۰ مورد	۱۰- رفیق‌بازی و دوستان ناباب		
		۱۰ مورد	۱۱- خشونت		
		۵ مورد	۱۲- اعتیاد		
		۱۴ مورد	۱۳- تکرار خیانت		
		رفتارهای اصلاح‌کننده	رفتارهای اصلاح‌کننده	۱۰ مورد	۱- انکار خیانت و ادعای وفاداری
				۶ مورد	۲- اظهار پشیمانی و شفاف‌سازی
				۶ مورد	۳- عذاب وجدان و سعی در جبران
۱۵ مورد	۴- تأمین نیازهای خانواده				
۹ مورد	۵- توجه و اظهار علاقه به فرزندان				
۲۶ مورد		تعداد کل نمونه			

رفتارهای تخریب‌کننده

۱- سردی و بی‌تفاوتی نسبت به عواطف همسر (عدم صمیمیت در خانواده)

ازدواج و زندگی زناشویی، مستلزم سطح پایداری از صمیمیت زوجین است و احساس رضایت از ازدواج، نقش مهمی در میزان کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می‌کند (زیمناسکی و هیلتون^۱، ۲۰۱۳ به نقل از نریمانی، حبی، ۱۳۹۸).

صمیمیت، نزدیکی، تشابه و یک رابطه‌ی شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است که مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که به عنوان منشأ تشابه و نزدیکی به کار می‌رود (باگاروزی^۲، ۲۰۰۱).

پیلانز^۳ (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان داد یکی از نیازهای عاطفی زوجین، روابط توأم با صمیمیت است که منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی می‌باشد. پژوهش پاتریک و همکاران^۴ (۲۰۰۷) نشان داد زوجینی که صمیمیت بالاتری دارند، قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه‌ی خود داشته و در نتیجه رضایت بالاتری را تجربه می‌کنند.

خانم ۱۹ ساله: «خیلی رفتارش سرده! اصلاً حرف نمیزنه!» خانم ۲۰ ساله: «مدام یادآوری میکنه که ازم بیزاره! من اصلاً براش مهم نیستم. اگه پیشش نباشم، اصلاً براش مهم نیست! واقعاً برای خودم متأسفم!» خانم ۳۰ ساله: «یه مدت خیلی سرد شده بود، فکر می‌کردم به خاطر بی پولیه!» خانم ۲۸ ساله: «وقتی میاد خونه، انگار دیواری بینمونه! نمی‌تونم حرفام رو بزوم. نمیذاره ارتباط عاشقانه باهاش برقرار کنم!»

اغلب مردان خیانت‌کننده در این پژوهش، رفتاری صمیمی با همسر نداشتند. در واقع، هیچ‌گونه همبستگی عاطفی میان زوجین مشاهده نمی‌شد.

۲- ارتباط گفتاری کم با همسر

زوجینی که قادر نیستند ناسازگاری را به سازگاری بدل کنند، بیشتر در سیکل نیازهای نافرجامی که سال‌ها تکرار می‌شود، گیر می‌کنند؛ ولی زمانی که زوجین دارای خطوط باز ارتباطی باشند، از یکدیگر به عنوان پشتیبان و یک آینه انعکاس‌دهنده برای مشکلات استفاده می‌کنند.

1. Zymnaski and Hilton

2. Bagarozzi, D.

3. Peleg, O.

4. Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R.

از زاویه‌ای دیگر، وقتی زوجین انواع دیگری از مشکلات را دارند، دچار مشکلات ارتباطی نیز می‌شوند. وقتی زوجین دارای مشکلات جدی هستند، گرایش دارند که ارتباط کمتری برقرار کنند و چون اطلاعات کمتری مبادله می‌شود، احتمال سوء تفاهم افزایش می‌یابد. یک ارتباط کاملاً دربرگیرنده و صمیمی می‌تواند مشکلات میان افراد را التیام بخشد، ولی وقتی زوجین دچار مشکل می‌شوند، ارتباطشان در هر دو طرف بعد کیفی و کمی تضعیف می‌شود و کمتر قادرند از ابزارهایی که می‌توانند به آنها کمک کنند، استفاده نمایند.

تأکید اصلی در افزایش ارتباط این است که به زوجینی کمک شود تا درک کنند ارتباط مؤثر، یک سری از رفتارهایی است که می‌توانند یاد بگیرند (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸).

خانم ۲۶ ساله که در دوران نامزدی بسر می‌برد: «وقتی باهاش حرف می‌زنم، اصلاً نگاه نمی‌کنه! اعتنا هم نمی‌کنه!» خانم ۳۱ ساله دیگری اظهار می‌دارد: «وقتی می‌خوام باهاش حرف بزنم، همه‌اش سرش تو گوشیه. می‌گه حرفی داری، زود بگو برو!» خانم ۱۹ ساله دیگری رفتار همسرش را سرد و بدون ارتباط گفتاری توصیف می‌کند.

خانواده باید کانون عشق‌ورزی و فداکاری باشد و اعضای خانواده برای ابراز علاقه به اندازه و به موقع برنامه داشته باشند که گاه کلامی و گاه در رفتار نمایان شود. روشن است که اختصاص این فرصت و گفتگوهای همراه با محبت و علاقه پیرامون مسائل زندگی، میزان حسن تفاهم و علاقه‌مندی طرفین را نسبت به یکدیگر به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد و نقش بسیاری در جلوگیری از تنش‌های احتمالی بعدی خواهد داشت.

سرلک و سعیدی (۱۳۹۲) مواردی چون عدم تأمین نیازهای عاطفی، بی‌توجهی مردان، مشکلات ارتباطی، عدم همدلی و همراهی و عدم گذراندن وقت با یکدیگر را جزو عواملی می‌دانند که منجر به سردی عاطفی می‌شود.

۳- صرف وقت با گوشه‌ای و رمز دادن به گوشه‌ای

مصاحبت و با هم بودن، اغلب در اول آشنایی زیاد است، ولی به تدریج این مهم در بسیاری از ازدواج‌ها کاهش می‌یابد و علاوه بر کمیت، کیفیت زمان با هم بودن نیز کاهش می‌یابد. کیفیت و کمیت زمان با هم بودن در این خانواده‌ها به طرز چشمگیری کم و غیر مطلوب بود. به نظر می‌رسد زوجین بخصوص مرد، هیچ علاقه و رغبتی به صرف وقت با همسر ندارد.

خانم ۱۹ ساله: «خسته شدم از بس سرش تو گوشیه!» خانم ۳۰ ساله: «شوهرم به گوشیش رمز داده بود و همه‌اش زیر سرش بود.» خانم ۲۰ ساله: «بعد از شام با گوشی مشغوله و اصلاً منو نمیینه! برای من وقت نداره!» خانم ۳۰ ساله دیگری: «از تابستون همسرم گوشیش رو قفل کرده بود. اسم این خانم رو رفیق سیو کرده بود. وقتی پرسیدم، گفت: یکی از دوستانمه.» خانم ۳۱ ساله: «یکسره تو گوشیه! توی گروه‌های مختلف ادمینه و می‌گه وقت ندارم باید به همه جواب بدم. دنیای مجازی براش مهم‌تر از ماست! انگار اصلاً ما رو نمیینه!»

یکی از ویژگی‌های ازدواج‌های پایدار و موفق، اختصاص دادن زمان کافی به زندگی مشترک است؛ یعنی گذراندن وقت در کنار یکدیگر، برای هر دو طرف هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی مطلوب و لذت‌بخش باشد. در اینجا مشکل اصلی مدت با هم بودن نیست، بلکه مسأله این است که فرصت با هم بودن چگونه می‌گذرد؟

صرف بودن در کنار یکدیگر، بدون استفاده درست یا گفتگویی که در ارتباط مؤثر و سودمند باشد، در رضایت زناشویی بی‌تأثیر و حتی منفی خواهد بود (عباسی، ۱۳۹۷).

از آنجا که زندگی مردان و زنان متأهل به عنوان یک زوج بر اساس روابط و ارتباطات میان فردی بنا می‌شود، آسیب‌های فضای مجازی رابطه زوجین را با تهدید و چالش‌های جدی مواجه می‌کند. آسیب‌های فضای مجازی علاوه بر از بین بردن زمان با هم بودن و صمیمیت زوجین، باعث تغییر نگرش‌ها گشته و در فرایند تغییر ارزش‌ها، اثرات ماهیتی و رسانه‌ای فضای مجازی ارزش‌های متفاوتی چون فرهنگ برهنگی، مصرف‌گرایی و مدگرایی، تجمل‌پرستی و حس هم ذات‌پنداری را ترویج می‌کند (منادی، ۱۳۸۵).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مردان در فعالیت‌های جنسی آنلاین و تمایل به رفتارهای جنسی مشکل‌ساز در فضای مجازی مشارکت بیشتری دارند (آلبرت^۱، ۲۰۰۸؛ لایر و براند^۲، ۲۰۱۴؛ محسنی تبریزی، هویدا و امیدی، ۱۳۸۹). پژوهش‌های دیگری نشان می‌دهد که ولع مصرف پورنوگرافی و هرزه‌نگاری در مردان به دلیل ویژگی تحریک بصری (واینشتاین و همکاران،^۳ ۲۰۱۵)، تحریک آمیگدال^۴ و هیپوتالاموس^۵ به هنگام دیدن تصاویر جنسی بیشتر است (لایر،

1. Albright, J. M.
2. Laier, C. & Brand, M.
3. Weinstein, A. M., Zolek, R., Babkin, A., Cohen, K., & Lejoyeux, M.
4. Nucleus amygdalæ
5. Hypothalamus

پاولیکوسکی و براند^۱، (۲۰۱۴) و لذا تمایل مردان به رفتارهای جنسی مشکل ساز و در نتیجه کاهش صمیمیت و تخریب روابط زناشویی در فضای مجازی بیشتر است (لایر و براند^۲، ۲۰۱۴).

پژوهش های (ونگ و هسیونگ^۳، ۲۰۰۸؛ میلهم^۴، ۲۰۰۷) نشان می دهد که مردان نقش فعال تری در خیانت های زناشویی اینترنتی داشته و نگرش بازتری برای این نوع روابط دارند. هرتلین و پیرسی^۵ (۲۰۱۲) نشان دادند که اغواگری اینترنتی میان مردان بیشتر است و توسعه این روابط منجر به روابط پایدار و خیانت اینترنتی می شود.

عادی سازی خیانت همسران به یکدیگر، ترویج خانواده های بی سامان و لجام گسیخته در مقابل ساختار خانواده، ترویج فرهنگ ازدواج سفید و ...، پیام های مشترک رسانه ها و شبکه های اجتماعی است (شکریگی، ۱۳۹۱ به نقل از شهریاری احمدی و پازوکی، ۱۳۹۸). تنوع افرادی که زوجین از طریق اینترنت با آنان ارتباط برقرار می کنند و چگونگی فضای حاکم بر ارتباطات آنان است که بر میزان اعتماد همسرانشان به آنان تأثیر می گذارد (موسوی و موسوی، ۱۳۹۲، به نقل از شهریاری احمدی و پازوکی، ۱۳۹۸).

۴- پنهانکاری و دروغگویی (عدم صداقت)

صداقت از مراحل اساسی یک ارتباط مؤثر است. صراحت و صادق بودن فرایندی است که در ارتباطات انسانی به شکل نامحسوس، اما بسیار مؤثر نقش بازی می کند. این فرایند حتی اگر قابل دیدن یا شنیدن نباشد، دو طرف درگیر ارتباط آن را حس می کنند. اگر ارتباطی فاقد صراحت و صداقت باشد، بدون شک یا قطع خواهد شد و یا به شکل مخدوش، مبهم و ناسالم ادامه می یابد. عدم صداقت در زندگی مشترک، به بی اعتمادی منجر خواهد شد و پایه های صمیمیت را سست خواهد کرد. عدم صداقت، دروغگویی و پنهانکاری، به طور گسترده در همه مردان خیانت کننده به چشم می خورد.

خانم ۳۰ ساله: «... فکر می کنم دیگه چه چیزهایی رو ازم مخفی کرده؟ مخفیکاریش خیلی کار رو بدتر کرد!» خانم ۲۸ ساله: «خیلی دروغ میگه!» خانم ۲۰ ساله: «دروغ میگه و پنهانکاری میکنه!»

-
1. Laier, C., Pawlikowski, M., & Brand, M.
 2. Laier, C. & Brand, M.
 3. Wang, C. C., & Hsiung, W.
 4. Mileham, B. L. A.
 5. Hertlein, K. M., & Piercy, F.

۵- بی تفاوتی نسبت به ظاهر همسر و سردی جنسی

لوینگر^۱ (۱۹۷۶) به نقل از نیمتز^۲ (۲۰۱۱) معتقد است که احتمال دوام ازدواج به سه عامل بستگی دارد که مهم ترین عامل، جذابیت یا کشش متقابل است که منجر به ایمنی و رضایت جنسی می شود. به اعتقاد وی یک رابطه جنسی رضایت بخش آن قدر مهم است که با نزدیک تر کردن زوجین از نظر عاطفی به یکدیگر و از بین بردن تنش، باعث سلامت ازدواج می شود.

خانم ۲۷ ساله: «من شاید نیاز داشته باشم، ولی اون توجهی نداره!» خانم ۱۹ ساله: «رابطه جنسی مون خیلی کم شده. میگه کمرم درد میکنه!» خانم ۲۰ ساله: «رابطه مون خیلی کمتر شده! اگه من بخوام، اصلاً توجهی نشون نمیده!» خانم ۲۸ ساله: «وقتی میاد طرفم، هیچ احساسی نداره. فقط زود کارشو میکنه، میره!» خانم ۳۱ ساله: «ارتباط جنسی ما مطلوب نیست. به من اهمیتی نمیده و فقط به فکر خودشه!» خانم ۲۶ ساله: «شوهرم اصلاً به من توجه نداره. سرد مزاجه! به همه توجه میکنه، جز من! وقتی باهاش حرف می زنم، اصلاً نگاه نمیکنه! اعتنا هم نمیکنه!» خانم ۵۰ ساله: «هیچ اهمیتی براش ندارم! دیگه هیچ ارتباطی بینمون نیست!»

ممکن است تصور شود که رابطه‌ی جنسی یکی از فعالیت‌های بیولوژیکی است که با افزایش سن زوجین از بین می رود، ولی بسیاری از زوجین موفق از یک رابطه جنسی سالم در سراسر زندگی خود لذت می برند (کاپلان^۳، ۱۹۹۰).

۶- لجبازی و مشاجره

لجبازی یک خصوصیت شخصیتی است که افراد را به کارهای بچگانه و تصمیم گیری‌های غیرمنطقی وامی دارد. لجبازی از این احساس نشأت می گیرد که فرد فکر می کند باید قدرت خود را نشان دهد، و گرنه شکست می خورد. در واقع کمبود اعتماد به نفس و عدم خودباوری و کمبودهای درونی، گاهی باعث لجباز شدن افراد می شود.

زمانی که خیانت زناشویی همسر فاش می شود و وی در برابر تبعات مخرب این پدیده قرار می گیرد، ممکن است لجبازی را به عنوان یک سپر دفاعی انتخاب کند. یا اینکه همسر خیانتکار از حربه لجبازی و بهانه گیری برای طرد همسر و توجیه رفتارهای خود استفاده می کند.

1. Levinger.
2. Nimitz, M. A.
3. Kaplan, H. S.

خانم ۳۰ ساله: «شوهرم اونقدر لجبازه که همیشه باهاش حرف زد. قبلاً ما همدیگه رو دوست داشتیم!»

فاش شدن خیانت در خانواده، بی‌شک مشاجرات و تعارضات زوجین را در پی خواهد داشت. مشاجرات طولانی به هتک حرمت خواهد انجامید. هتک حرمت می‌تواند تأثیرات منفی بر روابط و رضایت زناشویی و همچنین بر خانواده داشته باشد. توانایی گذشت همسر می‌تواند به تداوم رابطه و افزایش رضایت زناشویی منجر شود (باکوس^۱، ۲۰۰۹).

لجبازی و مشاجرات طولانی، منجر به هتک حرمت و حتی خشونت جسمی و عاطفی در تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان گزارش شد.

۷- بدبینی و ایجاد محدودیت اجتماعی

بدبینی و ایجاد محدودیت اجتماعی یا اقتصادی، می‌تواند از نمودهای لجبازی باشد. روانکاوان بدبینی را نتیجه «فرافکنی» که مکانیسمی دفاعی در روان انسان است می‌دانند.

خانم ۲۷ ساله: «به لباس و آرایش من گیر میده! اجازه ندارم جایی برم.» خانم ۱۹ ساله: «همه‌اش از خانواده من بد میگه!» خانم ۲۰ ساله: «شوهرم دوست نداره من برم خونه مادرم. نمیداره با مادر و خواهرم بیرون برم. وقتی تو خونواده من مراسمی میشه، بهانه‌گیری میکنه؛ ولی برای خانواده خودش وقت داره.» خانم ۳۱ ساله: «رابطه خانوادگی کاملاً یک‌طرفه داریم. با فامیل من رفت‌وآمد نمیکنه. خونه خواهرم یک ساله نرفتم. همه دوستانمو فراری داده.»

۸- عدم تأمین نیازهای خانواده و محدودیت اقتصادی

ازدواج باعث رشد اجتماعی افراد و در نتیجه، افزایش احساس مسئولیت آنها در قبال دیگران، بخصوص همسر و فرزند می‌شود. بر این اساس است که یکی از معیارهای اساسی که برای همسر آینده نام برده می‌شود، حس مسئولیت‌پذیری اوست (اشنایدر^۲، ۱۹۹۷).

خانم ۲۷ ساله: «با اینکه وضعش خوبه، اصلاً پول نمیده!» خانم ۲۸ ساله: «از نظر مالی تأمین نمیکنه. مجبورم از خانواده‌ام کمک بخوام.» خانم ۳۱ ساله: «سه سال من و پسر من رو ول کرد رفت، بدون خرجی!» خانم ۳۱ ساله: «بهم خرجی نمیده! واسه خودش از لحاظ مالی کم نمیداره، ولی برای من و بچه‌ام اصلاً براش مهم نیست که بچه داره و همه مسئولیتش رو دوش منه.» خانم ۲۹

ساله: «وضع مالی خوبی نداره! دل به کار نمیده! دیر میره سرکار! گچ کاره! هر چی خودش بخواد میخره. ولی به ما اهمیت نمیده! چند ساله برام لباس نخریده. مادرم یا اطرافیان برام می‌خرند». خانم ۲۶ ساله: «نسبت به من بی‌تعهد و بی‌مسئولیته، ولی با خانواده و اطرافیانش خوبه.»

نتایج پژوهش اشنایدر (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که بین مسئولیت‌پذیری و تعهد زناشویی مردان متأهل همبستگی معناداری وجود دارد و مسئولیت‌پذیری می‌تواند به طور مثبت میزان تعهد زناشویی مردان را پیش‌بینی کند.

مسئولیت‌پذیری در زوجین، بخصوص مردان می‌تواند جنبه‌های مثبت زیر را در بر بگیرد: همسررداری درست و مناسب، تأمین آسایش روحی، تأمین نیازهای مادی خانواده و تربیت درست فرزندان (گلاسر^۱، ۱۹۶۷).

از سوی دیگر، افراد مسئولیت‌پذیر وجدان بسیار قوی دارند و خود را در قبال حفظ ارزش‌های جامعه و دین متعهد می‌دانند. از دیدگاه روانکاوی نیز مردان مسئولیت‌پذیر دارای فرمان‌رشد یافته‌ای هستند و فرد را در صورت تخطی از ارزش‌های اجتماع مورد مؤاخذه قرار داده و حتی او را دچار احساس گناه شدید می‌نمایند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۰).

۹- تهدید به طلاق

شاید مهم‌ترین عاملی که باعث افزایش میزان طلاق در قرن حاضر شده است، کاهش نگرش‌های منفی نسبت به طلاق و پذیرش اجتماعی روزافزون رخداد آن باشد. در این پژوهش، چند مورد از مردان خیانتکار سعی می‌کردند با تهدید و عملی کردن طلاق، همسر را تحت فشار قرار داده و مجبور به پذیرش شرایط موجود کنند. خانم ۲۰ ساله: «من هیچ وقت به طلاق فکر نکردم، ولی یک‌بار اومد و گفت باید جدا شیم. جدا شدیم. ۴ ماه از هم جدا بودیم. ولی همه‌اش دنبالم بود و با اصرارش دوباره ازدواج کردیم.» خانم ۳۰ ساله: «منو آورده گذاشته خونه مادرم. میگه نمیخوام باهات زندگی کنم. یک ماه و نیمه که اینجام. برای طلاق اقدامی نمیکنه! تکلیفم روشن نیست! میگه یا مهریه یا بچه‌ها.»

۱۰- رفیق‌بازی و دوستان ناباب

برخی از افراد در دوران مجردی وابسته به دوستان و گروه‌هایی بودند که نیازهای عاطفی، روان‌شناختی و تعاملات اجتماعی‌شان را از راه ارتباط با آنها تأمین می‌کردند. اغلب این افراد پس از ازدواج هم روال سابق را ادامه می‌دهند و این تعاملات افراطی را حفظ می‌کنند. غافل از اینکه در دوران تأهل دوستان نمی‌توانند در اولویت باشند، بلکه اولویت با همسر و خانواده است. رفیق‌بازی افراطی چون موجب بی‌توجهی فرد به همسر و خانواده و تأمین نیازهای آنان می‌شود، سبب بروز اختلاف در زندگی مشترک می‌گردد. علاوه بر این، چون طرف دیگر این گونه دوستی‌ها، عموماً دوستانی هستند که آنان نیز بی‌توجه به همسر و خانواده‌اند و به قولی دوستان ناباب هستند، ممکن است مشکلات دیگری را به فرد و خانواده وی تحمیل کنند. فراوانی این رفتار در میان نمونه‌ها قابل توجه بود.

مشارکت کنندگان این پژوهش، همسر خویش را رفیق‌باز توصیف نمودند. خانم ۳۱ ساله: «رفیق بازه! اخیراً خیلی بیشتر شده. فقط برای غذا و خواب میاد خونه. دورهمی‌شون با ورق‌بازی و قلیون و گاهی مشروب می‌گذره. اولویت اول دوستاشه.» خانم ۲۰ ساله: «چند روزه به سرش زده که با دوستاش بره باکوا!» خانم ۳۰ ساله: «متأسفانه با پسر صاحب‌خونه مون که مجرد بود دوست شد. با کثافت کاری‌های اون پررو شد و خیانت کرد.» خانم ۱۹ ساله: «شوهرم گفت این دختر رو دوستاش آورده بودند.»

۱۱- خشونت

گلنی و شکچر^۱ (۱۹۹۶) یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین تعاریف موجود را ارائه داده‌اند. آنها خشونت خانوادگی را بدین گونه تعریف می‌کنند: «خشونت خانوادگی عبارت است از رفتارهای هجومی و سرکوبگرانه، از جمله حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی و روانی و همچنین اعمال فشار اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارد». به طور کلی، خشونت خانوادگی را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر به آنها متوسل می‌شود. خشونت آسیب‌زاترین رفتاری است که از سوی مردان اعمال می‌شود. انواع خشونت از سوی مردان خیانت‌کننده در خانواده مشاهده می‌شود. خانم ۲۹ ساله همسرش را بداخلاق و زورگو

توصیف می کند که به دنبال بهانه‌ای برای اذیت و کتک زدن وی است. خانم ۲۵ ساله می گوید: «الآن دو سال و سه ماهه که با اون خانم رابطه دارند و هر روز کار من کتک خوردنه.» خانم ۲۷ ساله می گوید: «تا حرفی می زنم، اسباب خونه رو میشکنه.» خانم ۲۸ ساله: «بد اخلاقه و دست بزن داره!» خانم ۳۱ ساله می گوید: «هفته پیش به تنها دوست من کلی فحش نوشت و بعد هم کلی کتک زد که این پسره. تا حالا هزار بار منو به خاطر خانواده‌اش کتک زده. تو خیابون کتک زده. به من تهمت زنا زده.» خانم ۳۱ ساله: «خیلی زور گوئه! حرف باید فقط حرف خودش باشه!» خانم ۲۳ ساله: «سر یه مسأله کوچیک کلی کتکم زد. احساس گیجی می کردم! هنوز سرم درد میکنه! با در قابلمه زد پشت سرم! قبلاً دست بزن داشت، ولی یک سالی می شد که بهتر شده بود. در ضمن قبلاً دکتر اعصاب می رفت و قرص می خورد. سرخود قرص هاشو قطع کرد. به خاطر خانواده‌اش به من فحش میده! کتکم میزنه!»

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتارهای افراد در اثر هم‌نشینی با افراد جامعه آموخته می شود. این دیدگاه به نقش خانواده و همسالان در ارتکاب خشونت اشاره دارد. باندورا^۱ (۱۹۷۸) مدعی است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خلال فرایند الگوسازی فراگرفته می شوند.

ویلسون و هرنشتاین^۲ (۱۹۸۵)، محیط خانواده و تجربه‌های نخستین فرد در مدرسه را از جمله مهم‌ترین علل اجتماعی مؤثر در رفتارهای کجروانه (خشن) به حساب می آورند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۴۱۱).

یکی از عمومی‌ترین ویژگی‌های مردان بدرفتار این است که احساس می کنند حق دارند با زنان خود بد رفتاری کنند. آنها افرادی خودخواه هستند که فکر می کنند نیازهای خودشان اولویت دارد. مردانی که زنان را کتک می زنند، اغلب سر زبان‌دار و جذاب هستند. صمیمیت ظاهری آنها معمولاً افراد غریبه را گول می زند.

در واقع، تعداد نسبتاً زیادی از شوهرانی که دست بزن دارند، اکثر معیارهای لازم برای تشخیص اختلال شخصیت ضد اجتماعی را دارند. افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی، نسبت به زندگی دیگران کاملاً بی تفاوت هستند و علاوه بر آن، انواع رفتارهای ضد اجتماعی را نشان می دهند، از جمله دروغ‌گویی، بدون فکر عمل کردن، و پرخاشگری.

1. Bandura, A.
2. Wilson, J. Q., & Herrnstein, R. J.

مردان مبتلا به این اختلال، اصلاً به فکر سلامت روانی و جسمی دیگران نیستند. با این حال، ممکن است به نظر کسانی که با آنها آشنایی سطحی دارند، افراد بسیار خوبی به نظر برسند. برخی از موقعیت‌ها احتمال بدرفتاری شوهران را افزایش می‌دهد، مثلاً شوهرانی که شغل ثابت ندارند یا بیکارند، بیشتر از دیگران خشونت نشان می‌دهند. مردانی که دوستانشان بدرفتاری با زنان را تأیید می‌کنند، بیشتر از دیگران پرخاشگر هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که مردان الکلی بیشتر از مردان دیگر اقدام به خشونت فیزیکی علیه زنان خود می‌کنند. بسیاری از مردان نیز از الکل به عنوان بهانه برای خشونت استفاده می‌کنند (ماتلین، ترجمه گنجی، ۱۳۹۰).

۱۲- اعتیاد

در این پژوهش، اعتیاد به عنوان یکی از دلایل خیانت زناشویی شناخته شد و مردان خیانت‌کننده این پژوهش قبل از خیانت، دچار اعتیاد بودند. در واقع شخص معتاد به دلیل درگیری همیشگی با عوارض اعتیاد، قادر به کنترل رفتار خویش نبوده و اعتیاد رفتارهای بعد از خیانت را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

شخص معتاد فاقد تعادل روانی بوده و لابلایگری، عدم توجه به اصول و مقررات جامعه، تسلیم شدن در برابر پیشامدها، ضعف اراده، بی‌توجهی به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، از خصوصیات رفتاری فرد معتاد است (ستوده، ۱۳۸۳).

خانم ۲۷ ساله می‌گوید: «گاهی تریاک میکشه! فکر می‌کنم معتاد شده، ولی میگه تفریحی می‌کشم». خانم ۲۸ ساله: «سه ساله تفریحی مواد مصرف میکنه. جلو خودم تریاک شیره میکشه!» خانم ۲۹ ساله: «همسرم معتاده! ولی فامیل نمیدونن. میگم کمتر مصرف کن. وقتی زیاد مصرف میکنه، پرخاشگر میشه! همه می‌فهمند! تریاک و شیره مصرف میکنه. متادون هم هر روز مصرف میکنه». خانم ۲۵ ساله: «از همان اوایل ازدواج متوجه اعتیاد و رابطه پنهانش با خانم‌های متأهل شدم.»

اصل اتکای روانی مقدم بر تأثیر اعتیاد بر جسم است، زیرا شخص معتاد پیش از آنکه تعادل جسمانی خود را از دست بدهد، تعادل روانی خود را تا رسیدن به دارو از دست می‌دهد. ضعف روانی شخص معتاد ارتباطات انسانی وی، از جمله ارتباطات خانوادگی و روابط زناشویی را مختل می‌کند.

۱۳- تکرار خیانت

تکرار خیانت پدیده‌ای است که بیشترین آسیب را به رابطه زوجین وارد می‌کند و امید بهبود رابطه و اصلاح امور را به یأس بدل می‌کند. خانم ۲۷ ساله می‌گوید: «جدیداً باز از خیانت دیدم. دیگه امیدی به این زندگی ندارم!» خانم ۲۰ ساله (بعد از ۵ سال زندگی مشترک): «۵ ساله با خیانت‌هاش منو اذیت کرده! حتی با دوستم هم‌خوابی داشته. این منو راهی بیمارستان کرد. نمیتونم فراموش کنم و باهاش کنار بیام! آنقدر گول خورده و خیانت کرده که منو از خودش دور کرده!» خانم ۲۵ ساله: «از همان اوایل ازدواج، متوجه رابطه پنهانیش با خانم‌های متأهل شدم. دو ماه پیش که دو ماهه باردار بودم، متوجه شدم با دوست خودم رابطه داره! مجبورم می‌کرد باهاشون بیرون برم و رفت‌وآمد خانوادگی داشته باشیم. از بس عذابم دادند، مجبور شدم همه چیز رو به شوهرش بگم. ولی هیچ فرقی نکرد!»

خانم ۱۸ ساله: «دو ماه از عروسی مون گذشته بود که دیدم تو تلگرام با یه دختر چت میکنه. بعد از یک ماه با یه دختر دیگه.» خانم ۲۳ ساله: «شوهرم هر زنی رو ببینه، شیفته‌اش میشه! بیشترشو با جزئیات برام تعریف میکنه. به هیچ کس تا حالا نگفتم. شما اولین نفری هستید که میگم. دارم دیوانه میشم! من اگه جایی برم، همه‌اش تو فکره که الان داره چکار میکنه! آرامش ندارم!» زمانی که خیانت تکرار می‌شود، زنان دچار ناامیدی کامل شده، امید به اصلاح را از دست می‌دهند و به طرف طلاق کشیده می‌شوند.

رفتارهای اصلاح‌کننده

۱- انکار خیانت و ادعای وفاداری

تعدادی از مردان خیانت‌کننده، با وجود فاش شدن رابطه خیانت‌آمیز، همچنان از پذیرش آن سر باز می‌زنند و ادعای وفاداری می‌کنند. نگاه خوشبینانه این است که این مردان هنوز به حفظ بنیان‌های خانواده علاقه‌مند هستند. از پیامدهای مخرب خیانت آگاهی دارند و با کتمان آن یا پاک کردن صورت مسأله، سعی می‌کنند از عوارض این پدیده مصون بمانند. بنابراین در این خانواده، می‌توان به حل بحران و بازگشت به وضعیت عادی امیدوار بود، ولی از سوی دیگر عدم صداقت میان زوجین، آسیب فراوانی به ارتباط وارد کرده و موجب دوری زوجین از یکدیگر خواهد شد.

بهبود وضعیت روانی همسر آسیب دیده، پس از عهدشکنی یا کتمان و انکار خیانت، میسر نخواهد شد و قطعاً نیاز به تغییراتی است که به واسطه آنها همسر آسیب دیده اطمینان یابد که همسر وی مسئولیت کار خویش را بر عهده گرفته است و از تکرار احتمالی دوری خواهد کرد.

خانم ۳۰ ساله می گوید: «همسر من میگه من عاشقتم و قسم خورد که باهش رابطه ای نداشته.»
خانم ۲۸ ساله می گوید: «باز چند شماره توی گوشیش دیدم. قسم خورد که خیانت نکرده!»

۲- اظهار پشیمانی و عذاب وجدان و شفاف سازی

تعدادی از مردان خیانت کننده (عموماً مردانی که تنها یک بار خیانت داشتند)، دچار پشیمانی و عذاب وجدان شده و با شفاف سازی رفتار سعی می کردند اشتباه خود را جبران کنند. این رفتاری کاملاً اصلاح کننده بوده و نقش عمده ای در حل بحران ایفا می کند. زوج خطا کار لازم است به جای اینکه با دست کم گرفتن خیانت، سرزنش کردن همسر آسیب دیده یا حتی مقصر جلوه دادن نفر سوم رابطه حالت تدافعی بگیرد، مسئولیت خطای خویش را بپذیرد و سعی کند از راه ممکن برای بازگرداندن زندگی به امنیت و آرامش سابق استفاده کند.

خانم ۳۰ ساله می گوید: «الان هر جا میره، به من اطلاع میده! میگه میخوام شکت برطرف بشه.» خانم ۳۰ ساله دیگری می گوید: «همسر عذرخواهی کرد و گفت: اشتباه کرده! این کارش حماقت بوده. ما همدیگر رو دوست داریم و دیگه تکرار نمیشه!» خانم ۲۰ ساله می گوید: «الان به قرآن قسم میخورم که با کسی نیست و پشیمونه!» خانم ۲۸ ساله می گوید: «دست روی قرآن گذاشت که دیگه دست به نامحرم نزنه!» خانم ۳۳ ساله می گوید: «خودش خیلی پشیمونه و درصدد جبرانه شوهرم میگه توبه کردم و قول داده دیگه این کار رو نکنه. منم بخشیدمش و مطمئنم که دیگه این کار رو نمیکنه. قلباً پشیمونه و میخواد جبران کنه!»

۳- تأمین نیازهای خانواده

مسئولیت پذیری، الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب فعالیت هایی است که بر عهده اش گذاشته شده و از درون فرد سرچشمه می گیرد. به عبارت دیگر، مسئولیت تعهدی است که انسان در قبال امری می پذیرد و پیامد آن به عهده اوست. گلاسر^۱ (۱۹۶۷) معتقد است که

مشکل انسان‌ها و ناهنجاری‌های آنها از مسئولیت‌پذیری آنهاست، زیرا آنها نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس وضعیت صحیح انسان دوستانه ارضا کنند.

از نظر گلاسر، انسان‌های مسئولیت‌پذیر همواره در پی کسب موفقیت‌های ارزنده‌تر، درآمد بیشتر، انجام کارهای مهم‌تر احراز موقعیت‌های اجتماعی بالاتر هستند. اگر این افراد در کاری شکست بخورند یا در زندگی زناشویی دچار اشتباهی شوند، به جای تکیه بر اسنادهای بیرونی درصدد اصلاح آن برمی‌آیند.

ازدواج اولین مرحله خروج فرد از خودبینی و طبیعت فردی و رفتن به سمت مدار دیگربینی است. در واقع مسئولیت‌پذیری و بیرون آمدن از حصار خودبینی، متعهد شدن در برابر دیگران و به دنبال آن فراهم شدن زمینه رشد اجتماعی، یکی دیگر از علل و فلسفه‌های مهم ازدواج در مردان و زنان است (ثنایی، ۱۳۷۵).

خانم ۲۷ ساله می‌گوید: «خریدهای خونه رو میکنه.» خانم ۱۹ ساله: «اگه چیزی نیاز باشه، میخره یا اینکه بگم چیزی بخر.» خانم ۳۰ ساله: «همسرم زودتر میاد خونه، محبت میکنه!» خانم ۲۰ ساله: «شوهرم مرد مهربونه! هر کاری بگم، میکنه. احترامم رو داره!» خانم ۲۵ ساله: «شوهرم رفتارش با من خوبه و کم نمیداره!» خانم ۲۳ ساله: «اخلاق خوبی داره! صمیمیه! خسیس نیست!» خانم ۳۳ ساله: «رفتارش خوبه! خانواده رو تأمین میکنه!»

توجه به نیازهای خانواده، نشانه مسئولیت‌پذیری همسر بوده و در بازگشت به حالت عادی و آرامش خانواده نقش عمده‌ای ایفا می‌کند.

۴- توجه و اظهار علاقه به خانواده و فرزندان

ارتباط زناشویی می‌تواند دستمایه‌ی شادی یا منبع بزرگ رنج و تألم باشد. ارتباط این امکان را به زن و شوهر می‌دهد که با یکدیگر به بحث و تبادل نظر پردازند و مشکلاتشان را حل کنند. زوج‌هایی که نتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، در وضعیت نامشخصی قرار می‌گیرند (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸).

ارتباط خوب همسران با یکدیگر، آنها را قادر می‌سازد تا نیازها، خواسته‌ها و علایق خود را با سایرین در میان گذارند. عشق، دوستی و محبتشان را نسبت به یکدیگر ابراز کنند و به خوبی از عهده‌ی حل مشکلات و مسائل اجتناب‌ناپذیر در خانواده برآیند، اما فقدان مهارت‌های ارتباطی

لازم امکان چنین عملکردی را از خانواده و زوجین سلب نموده و رابطه‌ی صمیمانه‌ی آنها را به یک رابطه‌ی موازی و بدون صمیمیت تبدیل می‌کند.

هنگامی که رابطه‌ی صمیمانه متوقف شود، انرژی عشق به آزرده‌گی و خشم تبدیل می‌گردد و در نتیجه، منازعات فراوان، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، عدم همراهی عاطفی و لاینحل ماندن مشکلات را پدید می‌آورد (بولتون^۱، ۱۹۹۶).

خانم ۳۰ ساله: «شوهرم مهربون و خوش اخلاقه! ما در همه زمینه‌ها با هم مشورت می‌کنیم.»
 خانم ۲۰ ساله: «اون، من و دخترم رو دوست داره! شک ندارم! واسه ما نه نیاره! تو پیام میگه دوستم داره، ولی حضوری نه!» خانم ۲۳ ساله: «همیشه میگه دوستت دارم، ولی باز خیانت میکنه. اگه دوستم داره، چرا این قدر زجرم میده!؟»

خانم ۳۳ ساله: «تا طرفش میرم، یادم می‌افته که با کس دیگه‌ای رابطه داشته. اعصابم به هم میریزه! ازش دور میشم. حالم خراب میشه! دلم میخواد تا یه مدت رابطه نداشته باشیم، چون افکاری که به سراغم میاد، واقعاً حالمو خراب میکنه! جزئیات رابطه‌شون فکرمو مشغول میکنه. با اینکه خودش اعتراف کرده و مکانش رو گفته، حالم خراب‌تر شده! همه‌اش میاد به ذهنم!»

رضایت زناشویی در این خانواده‌ها مشاهده نمی‌شود. رضایت زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت داشته باشند (میراحمدی زاده و همکاران، ۱۳۸۲).

بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج باعث ارضای بسیاری از نیازهای جسمانی و روانی افراد می‌شود و در صورت شکست، زن و شوهر و بخصوص فرزندان، با ضربه روانی شدید مواجه می‌شوند (ملایی، اسمعیلی، ۱۳۹۷). خیانت به عنوان یکی از عوامل اساسی شناخته شده است که به نظام زناشویی ضربه می‌زند و رضایت زناشویی را از بین می‌برد.

نظریه پردازان هر نوع صلح، آشتی و دوری از تنش را که به دلیل رعایت کردن یک هدف برتر انجام می‌گیرد، رضایت می‌گویند. جریان رضایت با بروز نیاز انسان به همراهی، انطباق و دوری از تنش شروع می‌شود تا بر اساس آن به ارضای نیاز و حرکت به سوی تعادل کامل شود.

این فرایند از چهار مرحله حرکت به سوی هدف، برخورد با مانع، کوشش برای برطرف کردن مانع و کشف راه و فائق آمدن بر مشکل تشکیل می‌شود (پورمقدس، ۱۳۸۴).

خیانت نوعی اختلال و بیماری در رفتار است، زیرا با توجه به عوارض نابهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب‌ها و مشکلات مختلفی را برای خانواده ایجاد می‌کند؛ به طوری که کانو و همکاران (۲۰۰۲) نیز با مطالعه‌ی زندگی زنانی که فشارهای شدید زناشویی مانند: خیانت، بدرفتاری و تهدید به طلاق را تجربه کرده‌اند، به این نتیجه رسیدند که اختلافات خانوادگی، افسردگی و از هم پاشیدن خانواده و در نهایت دلزدگی زناشویی، یکی از پیامدهای رایج این شرایط است (سنگ تراش میر آقایی، ۱۳۹۸).

خیانت زناشویی پیامدهای عاطفی شدیدی در زوجین ایجاد می‌کند. مشاهدات بالینی و پژوهش‌های علمی نشان می‌دهند که افشای خیانت زناشویی، تأثیر مخرب و تکان‌دهنده‌ای بر زوجین می‌گذارد. همه مشارکت‌کنندگان (زنان) این پژوهش، معتقد بودند که شدیدترین احساسات منفی را تجربه کرده‌اند و حتی عمق آسیب را غیر قابل توصیف عنوان کرده‌اند.

این جمله به کرات در مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد: «دچار افسردگی شده‌ام و هیچ امیدی به زندگی و آینده ندارم!» این در حالی بود که از نظر شوهران، این اندازه احساسات منفی و جراحت روحی همسر قابل درک نبوده و در بیشتر موارد، آنان ارتباط عاطفی با یک زن دیگر را اصلاً خیانت محسوب نمی‌کردند و آن را خطری برای زندگی مشترک به شمار نمی‌آوردند.

همه این مردان، حتی آنانی که به کرات مبادرت به خیانت کرده بودند، با انکار خیانت خود را وفادار می‌دانستند و انتظار داشتند همسر با فراموشی این اتفاق، به زندگی مشترک ادامه دهد. اغلب آنان تأمین نیازهای مالی خانواده را شرط کافی برای ادامه زندگی مشترک تلقی می‌کردند.

از این رو مفهوم و تفسیری که این مردان (مردان خیانت کرده) از خیانت زناشویی داشتند، با تفسیری که زنان آنان دارند، کاملاً متفاوت بود. تعدادی از این مردان خود را علاقه‌مند به همسر و فرزندان خود می‌دانند و از آسیب خیانت در زندگی مشترک آگاه نیستند. حتی حاضر به جدایی و طلاق نیستند، ولی خیانت زناشویی ایشان را در این مسیر قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش‌های پیشین فلدمن و کافمن^۱ (۱۹۹۹)، دایجسترا و بارلدس^۲ (۲۰۰۸) و اسمیت^۱ (۲۰۰۴) نشان داد که میزان روان رنجوری در مردان بی‌وفا و خیانت‌کننده، بیشتر از مردان عادی

1. Feldman & Cauffman.
2. Dijkstra, P., & Barelds, D. P.

است. همچنین نتایج پژوهش ترابیان، عامری و خدابخش (۱۳۹۱) نشان داد که بین مردان خیانتکار و مردان عادی، تفاوت معناداری در روان رنجوری، وجدان‌گرایی، اضطراب و سبک دلبستگی اجتنابی وجود دارد.

هدف ما در این پژوهش، توصیف و شناسایی رفتارها و احساساتی است که مردان خیانت‌کننده از خود نشان می‌دهند. در مردان خیانت‌کننده، میزان صمیمیت با همسر، روابط عاطفی و جنسی، به نحو چشمگیری کاهش می‌یابد و عدم صمیمیت و صداقت در اغلب آنان (مردان بی‌وفا) احساس طردشدگی و اضطراب را به همراه دارد.

در این پژوهش، مردان خیانت‌کننده رفتارهایی از قبیل: سردی و بی‌تفاوتی عاطفی و جنسی، بی‌مسئولیتی و بی‌توجهی به خانواده، رفیق‌بازی و لجبازی، اعتیاد و خشونت را نشان می‌دادند. در این میان، تعداد کمی اظهار پشیمانی کرده و ادعای وفاداری، عذاب وجدان و توجه و تأمین نیازهای خانواده را از خود نشان می‌دادند.

بر این اساس، مردان خیانت‌کننده این پژوهش به دو دسته تقسیم شدند؛ دسته اول - که تعداد کمی بودند برای اولین بار مرتکب خیانت شده و با مشاهده آسیب‌ها و آفت‌های جدی این اتفاق، از آن درس گرفته و زندگی متعهدانه‌ای را در پیش گرفته بودند. رفتارهای تخریب‌کننده این گروه از مردان، بسیار کم و علاقه به همسر و فرزندان و حفظ خانواده به خوبی مشهود بود.

اما دسته دوم، مردانی بودند که خیانت را بارها تکرار کرده و اغلب پیش از ازدواج هم روابط متعددی با زنان داشتند. این مردان بدون پشیمانی به روابط متعدد خود ادامه می‌دادند و ارزشی برای خانواده، تعهد و زندگی زناشویی قائل نبودند. در این خانواده‌ها، رفتارهای مخربی همانند: خشونت، اعتیاد، بی‌توجهی و اعمال محدودیت مالی و اجتماعی، بسیار بیشتر از رفتارهای اصلاح‌کننده دیده می‌شد.

درمانگران پس از خشونت بدنی، شاخصه عهدشکنی را با توجه به عمق شکافی که نوعاً در اعتماد و روابط ایجاد می‌کند، به عنوان سخت‌ترین مشکلات برای درمان (هانی و هاردی^۱، ۲۰۱۴) و آسیب‌زاترین و ویران‌کننده‌ترین رویداد در ازدواج (برد، باتلر و فایف^۳، ۲۰۰۷) ذکر کرده‌اند.

1. Smith.

2. Haney, J.M, Hardi, L.

3. Bird, M. H., Butler, M. H., & Fife, S. T.

اما پژوهش‌های مربوط به زوج‌درمانی خیانت‌نشان داده است که با بکارگیری راهبردها و روش‌های درمانی مناسب، درصد زیادی از زوجین درمان‌پذیر هستند (بوکام، اشنایدر، گوردون^۱، ۲۰۱۱؛ اکزسیک^۲، ۲۰۱۵؛ فردریک^۳، ۲۰۱۶).

کارشناسان امور خانواده در بحث توانمندسازی و آموزش خانواده، عوامل مختلفی را برای پربارسازی رابطه زناشویی مطرح می‌کنند؛ به طور مثال رایان^۴ (۱۹۸۱) عواملی چون رضایت از میزان عشق و علاقه، دوستی‌ها، ارضای جنسی، زمان صرف شده در خانه با بچه‌ها، کمک به همسر در خانه، دوستان همسر و رفتار خویشان و بستگان را به عنوان عوامل مهم رضایتمندی به حساب می‌آورد (جلیلی، ۱۳۸۹). اینها همان عواملی هستند که در این مطالعه تحت عنوان رفتارهای اصلاح‌کننده شناسایی نمودیم.

در خانواده‌هایی که رفتارهای اصلاح‌کننده، همانند اظهار علاقه و تأمین نیازهای خانواده وجود دارد، خانواده سریع‌تر و بهتر می‌تواند بحران را پشت سر بگذارد و آسیب کمتری را متحمل خواهد شد. لذا آموزش‌های زوجین و مداخله مشاور در این خصوص، می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند و از آسیب‌های بیشتر و ادامه روند بحران پیشگیری نماید.

با شناسایی و اصلاح رفتارهای مخرب زوجین و تقویت رفتارهای اصلاح‌کننده آنان، می‌توان به حل بحران و بهبود شرایط امیدوار بود. لذا با توجه به ماهیت پیچیده خیانت و تأثیرات عمیق آن بر سلب اعتماد و از بین رفتن صمیمیت و تمایل به طلاق زوجین، ضروری است که مداخلات مؤثر برای کمک به زوجینی که با این مشکل مواجه هستند، ایجاد شود.

مشاوره چه برای مردان خیانت‌کرده و زنان خیانت‌دیده و بالعکس، با ایجاد عواطف مثبت، جلب توجه به ویژگی‌های مثبت زندگی و رفع تعارضات درونی، می‌تواند بر این جنبه مهم زندگی اثرگذار باشد (دی استفانو^۳، ۲۰۰۸؛ مالر^۴، ۲۰۱۵).

زنان و مردان خیانت‌دیده در جلسات مشاوره، مهارت‌های لازم جهت برخورد سازنده با آسیب‌های وارده را فرامی‌گیرند و از نقش منفعلانه خارج شده و می‌آموزند که با موقعیت‌های آینده برخورد مؤثرتری داشته باشند. علاوه بر این، مداخله بر اساس برنامه تدوین شده کمک می‌کند که افراد به تخلیه هیجانات و احساسات منفی بپردازند و زخم‌های گذشته را التیام بخشند.

1. Baucom DH, Snyder DK, Gordon KC.

2. Rhayne.

3. De Stefano, J., & Oala, M.

4. Moller NP, Vossler A.

همچنین این جلسات کمک می‌کند تا روابط زناشویی با همسر خاطی بازسازی شود، از تعارضات زناشویی پیشگیری شده و کانون خانواده حفظ شود و در نهایت، همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، میل به طلاق زوجین کاهش یابد (جرالد، برانلی، ۲۰۱۵).

در بحث پیشگیری، مشاوره‌های پیش از ازدواج، فرصتی بسیار عالی برای زوجین فراهم می‌کند تا شناخت کافی از خویش و طرف مقابل به دست آورند، توانایی خود را برای برقراری ارتباط مؤثر ارتقا داده و توقعات خود را واقع‌بینانه‌تر نمایند.

زوجین با یادگیری مهارت‌های سالم ارتباطی، به کشف روش‌های تازه و مؤثر می‌رسند که با به کار بستن آنها می‌توانند ضمن در اختیار گرفتن عنان زندگی خود و ارضای نیازهای به حق خود، مانع از ارضای نیازهای مشروع طرف مقابل نشده و به تقویت روابط نزدیک خود پردازند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، مشاوران خانواده و ازدواج می‌توانند از طریق افزایش صمیمیت میان همسران و درمان مشکلات مربوط به صمیمیت، تعهد زناشویی را در میان آنها بهبود بخشند.

پیشنهادها و محدودیت‌ها

می‌دانیم که در ایران به دلیل ملاحظات فرهنگی، آمار دقیقی در خصوص خیانت در زندگی مشترک موجود نیست و ملاحظات فرهنگی و مذهبی و قبح پدیده، مسأله خیانت همسران را بسته نگه داشته است. با اینکه آمار بالای خیانت را می‌توان از پرونده‌های موجود در دادگاه‌های خانواده رصد کرد، ولی آمار خیانت‌های زناشویی که به طلاق منجر نشده است، در دست نیست.

تعدادی از همسران درگیر با خیانت به مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند، ولی درصد بالایی از بخش آسیب‌پذیر جامعه، توان مراجعه یا دسترسی به مشاور را ندارند. از این رو خیانت زناشویی در ایران، همچنان به معضل جدی خانواده تبدیل شده است.

مشارکت‌کنندگان این پژوهش زنانی هستند که به مشاور مراجعه نکرده‌اند، ولی دسترسی به اینترنت و فضای مجازی دارند. بدون شک خانواده‌های زیادی وجود دارند که نه تنها به مراکز مشاوره و آموزش‌های مرتبط با خانواده دسترسی ندارند، بلکه به فضاهای مجازی نیز دسترسی ندارند و لزوم آموزش این قشر از جامعه به شدت احساس می‌شود.

محدودیت دیگری که در این پژوهش با آن مواجه بودم این بود که تقریباً همه مراجعه کنندگان زنان بودند و مراجعه مردان بسیار اندک بود. لزوم مصاحبه با مردان خیانت کننده نیز به شدت احساس می شود و می تواند زوایای بیشتری از این پدیده را نمایان سازد. این مهم با همکاری پژوهشگران، همکاران و مشاورین مرد در این حوزه بهتر میسر می گردد و امید است در آینده محقق شود. پیشنهاد دیگر، پژوهش در خیانت زناشویی از سوی زنان است که امروزه رو به افزایش است.

منابع

- اکبرزاده، نسرین. (۱۳۸۳). هوش هیجانی، دیدگاه سالووی و دیگران. تهران: فارابی.
- بشرپور، سجاد. (۱۳۹۱). اثربخشی درمان پردازش شناختی بر بهبود علایم پس آسیبی، کیفیت زندگی، عزت نفس و رضایت زناشویی زنان مواجه شده با خیانت زناشویی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲ (۲)، ۱۹۳-۲۰۸.
- بولتون، رابرت. (۱۹۹۶). روان‌شناسی روابط انسانی. ترجمه حمیدرضا سهرابی. تهران: پورمقدس، علی. (۱۳۸۴). روان‌شناسی سازگاری. مشعل.
- ترابیان، لیلا و دیگران. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی همسران بی‌وفا، خیانت دیده و عادی. *مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء*، دوره ۸، شماره ۳، ۹-۲۵.
- حسینی، مریم. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های مقابله‌ای با صمیمیت و تعهد زناشویی در فرهنگیان شهر ایلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضایی، جواد و دیگران. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش زوج‌درمانی اسلام محور بر تعهد زناشویی زوجین. *روان‌شناسی و دین*، ۵ (۱)، ۳۷-۶۰.
- زهرا کار، کیانوش. (۱۳۸۴). بررسی رابطه جنبه‌های مختلف عملکرد خانواده و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان. تحقیق چاپ نشده، پژوهشکده تعلیم و تربیت استان لرستان.
- ستوده، هدایت‌اله. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). آوای نور.
- سرلک، علی و فاطمه سعیدی. (۱۳۹۲). *ابراز علاقه همسران؛ هنر زندگی در مسیر بندگی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۹، سال سوم، شماره ۴.
- سلیمی، علی و دیگران. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کج‌روی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سنگ‌تراش میرآقایی، منیژه و مرتضی عزیزی. (۱۳۹۸). پیش‌بینی خیانت زناشویی بر اساس تفکیک خویشتن و دلدزدگی زناشویی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره‌ی شهر تبریز. *زن و مطالعات خانواده*، ۴۳ (۱)، ۱۷-۷.
- doi: 10.30495/jwsf.2019.668795
- شهریاری احمدی، منصوره و دیگران. (۱۳۹۸). رابطه بین احساس تنهایی و تعهد زناشویی با میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی در زنان. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳ (۴۶)، ۹۵-۱۱۴.

- عباسی، وحیده. (۱۳۹۷). بازشناسی معنایی خیانت زناشویی از نظر زنان ایران. **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- فروم، اریک. (۱۹۵۶). هنر عشق ورزیدن. ترجمه پور سلطانی. تهران: **مروارید**.
- قنبری هاشم‌آبادی، بهرام علی و دیگران. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی. **فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان**، ۲ (۳)، ۳۹-۶۰.
- کریمیان، نادر و دیگران. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. **مشاوره و روان‌درمانی خانواده**، دوره ۱، شماره ۲.
- گود، نانسی. (۲۰۰۰). زندگی با همسرکج مدار، راهنمای سازگاری زناشویی برای زنان. ترجمه فروزنده داورپناه. تهران: **رشد**، چاپ سوم.
- محسنی تبریزی، محسن و دیگران. (۱۳۸۹). استغراق در فضای مجازی و عوارض فردی و روان آن. **پژوهشنامه علوم اجتماعی**، دوره ۴ (۳)، ۵۱-۶۹.
- ملایی، رحیم و معصومه اسمعیلی. (۱۳۹۸). مطالعه کیفی نقش زبان در روابط زوجین رضایتمند: پژوهشی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد. **فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده**، ۱۳ (۴۶)، ۴۱-۶۸.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی خانواده، تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده. دانژه.
- مؤمنی، خدا مراد و دیگران. (۱۳۹۴). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایزیافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده و صمیمیت زناشویی. **دوفصلنامه آسیب‌شناسی مشاوره و غنی‌سازی خانواده**، ۱ (۲)، ۵۸-۴۶.
- میراحمدی زاده، علیرضا و دیگران. (۱۳۸۲). رضایتمندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز. **فصلنامه اندیشه و رفتار**، دوره هشتم، شماره ۳۲، ۵۶-۶۳.
- نریمانی، اکرم و محمدباقر حبیبی. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر تعارضات زناشویی زنان متأهل. **فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده**، ۱۳ (۴۶)، ۱۵۵-۱۷۴.
- نصر، سیمین. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش بهبود نگرش‌ها و انتظارات جنسی بر صمیمیت و تعهد زوجین شهر اصفهان. **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، رشته مشاوره، دانشگاه آزاد مرودشت.

- Albright, J. M. (2008). Sex in America online: An exploration of sex, marital status, and sexual identity in Internet sex seeking and its impacts. **Journal of Sex Research**, 45(2), 175-186.
- Bagarozzi, D. A. (2001). **Enhancing intimacy in marriage**, Branner-Rouledye, Tylor & Forancis group.
- Backus, L. N. (2009). **Establishing Links between Desecration, Forgiveness, and Marital Quality during Pregnancy (Doctoral dissertation, Bowling Green State University)**.
- Bandura, A. (1978). Social learning theory of aggression. **Journal of communication**, 28(3), 12-29.
- Baucom, D. H., Snyder, D. K., & Gordon, K. C. (2011). **Helping couples get past the affair: A clinician's guide**. Guilford Press.

- Bird, M. H., Butler, M. H., & Fife, S. T. (2007). The process of couple healing following infidelity: A qualitative study. **Journal of Couple & Relationship Therapy**, 6(4), 1-25.
- Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997). From vigilance to violence: mate retention tactics in married couples. **Journal of personality and social psychology**, 72(2), 346.
- Cohan, C. L., & Kleinbaum, S. (2002). Toward a greater understanding of the cohabitation effect: Premarital cohabitation and marital communication. **Journal of Marriage and Family**, 64(1), 180-192.
- Dijkstra, P., & Barelds, D. P. (2008). Self and partner personality and responses to relationship threats. **Journal of Research in Personality**, 42(6), 1500-1511.
- Erich Fromm. (2008). the art of loving. (Porsoltani, Trans.) Tehran. Morvarid Publication.
- Ganley, A. L., & Schechter, S. (1996). **Domestic violence: A national curriculum for child protective services**. Family Violence Prevention Fund.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. **Current opinion in psychology**, 13, 70-74.
- Girard, A., & Brownlee, A. (2015). Assessment guidelines and clinical implications for therapists working with couples in sexually open marriages. **Sexual and Relationship Therapy**, 30(4), 462-474.
- Glasser, W. (1985). **Control theory: A new explanation of how we control our lives**. Perennial Library.
- Good, Nancy. (2002) How to love a difficult man. (F, Davarpanah, Trans.). Tehran. Roshd Publication.
- Haney, J. M., & Hardie, L. (2014). Psychotherapeutic Considerations for Working with Betrayed Spouses: A Four-task Recovery Model. **Australian and New Zealand Journal of Family Therapy**, 35(4), 401-413.
- Harmon, D. K. (2005). **Black men and marriage: The impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on marital satisfaction**. The University of Alabama.
- Hertlein, K. M., & Piercy, F. P. (2012). Essential elements of Internet infidelity treatment. **Journal of marital and family therapy**, 38, 257-270.
- Kaplan, H. S. (1990). Sex, intimacy, and the aging process. **Journal of the American Academy of Psychoanalysis**, 18(2), 185-205.
- Laier, C., & Brand, M. (2014). Empirical evidence and theoretical considerations on factors contributing to cybersex addiction from a cognitive-behavioral view. **Sexual Addiction & Compulsivity**, 21(4), 305-321.
- Laier, C., Pawlikowski, M., & Brand, M. (2014). Sexual picture processing interferes with decision-making under ambiguity. **Archives of Sexual Behavior**, 43(3), 473-482.
- Macher, S. (2013). Social interdependence in close relationships: The actor partner interdependence° investment model (API-IM), **European Journal of Social Psychology**, 43, 84-96.
- Mileham, B. L. A. (2007). Online infidelity in Internet chat rooms: An ethnographic exploration. **Computers in Human Behavior**, 23(1), 11-31.
- Moller, N. P., & Vossler, A. (2015). Defining infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. **Journal of sex & marital therapy**, 41(5), 487-497.
- Nimtz, M. A. (2011). Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study. **A Dissertation Presented for the Degree Doctor of Philosophy**. Liberty University.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. **The family journal**, 15(4), 359-367.
- Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life?. **The American Journal of Family Therapy**, 36(5), 388-401.

- Snyder, D. K. (1997). **Marital satisfaction inventory, revised (MSI-R)**. Los Angeles, CA: Western Psychological Services.
- Silva, A., Saraiva, M., Albuquerque, P. B., & Arantes, J. (2017). Relationship quality influences attitudes toward and perceptions of infidelity. **Personal Relationships**, 24(4), 718-728.
- Stanford, P. S. AXIS Healthcare Group, U. (2016). **Infidelity in the United**.
- Wang, C. C., & Hsiung, W. (2008). Attitudes towards online infidelity among Taiwanese college students. **International Journal of Cyber Society and Education**, 1(1), 61-78.
- Weinstein, A. M., Zolek, R., Babkin, A., Cohen, K., & Lejoyeux, M. (2015). Factors predicting cybersex use and difficulties in forming intimate relationships among male and female users of cybersex. **Frontiers in psychiatry**, 6, 54.
- Young, M. E., & Long, L. L. (1998). **Counseling and therapy for couples**. Thomson Brooks/Cole Publishing Co.